



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۸ مهر ۱۴۰۲

موضوع جزئی: احکام عقد - مسأله ۱۳ - کلام سید - تفاوت کلام امام و سید

مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۵

جلسه: ۱

سال پنجم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## علما، مرزبانان فکری و اخلاقی جامعه

چون امروز جلسه اول بحث ماست، طبق معمول و از باب تیمن و تبرک، به کلمات نورانی معصومین (ع) و اینکه فرمایشات حضرات معصومین (ع) چراغ راه ما باشد، یک روایتی را از امام صادق (ع) می خوانیم و ان شاء الله بحث مان را شروع می کنیم.

قال الصادق (ع): «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَن أَنْ يَسْلُطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ»<sup>۱</sup> امام صادق (ع) می فرماید: علمای شیعه، مرزبانان این مکتب هستند؛ علماء شیعه و دانشمندان شیعه، پاسداران مرزهای فکری و عقیدتی پیروان ما هستند؛ آنها هستند که مراقب اعتقادات، باورها و اخلاقیات جامعه ما محسوب می شوند. این مرز کجاست و مقابل علما و اندیشمندان چه کسانی هستند؟ می فرماید: در نقطه مقابل، ابلیس و همه اهریمنان و اشرار و کسانی که به عنوان اذتاب ابلیس شمرده می شوند قرار دارند؛ یعنی کآن شما مقایسه کنید مرزهای یک کشور را با کشور دیگر که اینها متخاصم هستند؛ این طرف علما و فقها و دانشمندان اسلامی و شیعی لب مرز ایستاده اند؛ نقطه مقابل، ابلیس و همه سربازانش. عفاریت جمع عفریت به معنای اهریمن و موجود شر است؛ حالا به جن شر هم اطلاق می شود در بعضی از جملات و کلمات، و به هر موجود شروری عنوان عفریت اطلاق می شود. اینها همه سربازان ابلیس محسوب می شوند. دو کشور متخاصم در مرزهای یکدیگر با هم دائماً زد و خورد دارند؛ لذا باید دانشمندان و علما شبانه روز دیده بانی کنند، چشمان باز، گوش های شنوا و حواس هوشیار داشته باشند. بنابراین مهم ترین مسئولیت عالم دینی، مراقبت دائمی و مرزبانی شبانه روزی از عقاید، اخلاق، باورها و اعمال جامعه است. «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتُهُ»، آن مرزی که ابلیس و همه اذتاب و سربازانش در آن قرار دارند و از آنجا دائماً به فکر شبیخون هستند، ابلیس و شیاطین اکثر اوقات شبیخون می زنند به مردم و هجوم مخفیانه می کنند؛ دیده بانی در این مرزها برای پیشگیری یا جلوگیری از حملات و حمله های ابلیس و سربازان او، یک مسئولیت خیلی مهمی است. «بِمَنْعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا». کار عالمان و بزرگان شیعه این است که از خروج شیطان و ابلیس و اذتاب او بر ضعیف پیروان ما منع کنند. طبیعتاً حمله دشمن از مرزهای فکری در درجه اول آسیب به کسانی می رسد که از نظر فکری گرفتار ضعف هستند؛ اعتقاداتشان ضعیف است، اطلاع شان از امور کم است؛ این را ما امروز به عینه داریم می بینیم که حملات همه جانبه به باورهای دینی مردم در فضای مجازی و غیرمجازی صورت می گیرد و انواع و اقسام شبهات پخش می شود. شبهه غیر از پرسش است؛ یک وقت سؤال و

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۱۳، ح ۷.

پرسش از یک مسأله‌ای است، که باید پاسخ آن داده شود و بحثی در آن نیست. ولی شبهه یعنی یک مطلب باطلی را لباس حق پوشاندن؛ گاهی شبهه در معنای سؤال هم به کار می‌رود، گاهی شبهه گفته می‌شود و منظور از آن، پرسش و سؤال است. اما شبهه به معنای دقیق یعنی یک مطلب باطل و ناصحیح و ناحق را با پوشش حق و زیبا ارائه کردن، که همه می‌گویند حرف بدی نیست و این حرفی است که ذائقه‌ها میل به آن پیدا می‌کند، مثل آنچه که الان دارد اتفاق می‌افتد؛ فضای مجازی پر است از این شبهاتی که در همه جوانب و ابعاد دین دارد وارد می‌شود. اینها در درجه اول به ضعفاء آسیب می‌زند و علما و دانشمندان شیعه، مرزبانانی هستند که مانع می‌شوند ابلیس و سربازانش به سوی ضعفا حمله و هجمه کنند. «وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شَيْعَتُهُ» علما مانع می‌شوند از اینکه ابلیس و پیروان ابلیس مسلط شوند بر ضعفاء شیعه.

کار مهم عالمان دین و مسئولیت بسیار سنگینی که متوجه عالمان دین است، مرزبانی از محدوده اعتقادی، فکری و اخلاقی جامعه دینی است. ما چقدر به این مسئولیت توجه داریم؟ چقدر در این فضایی که انواع و اقسام مشکلات و گرفتاری‌ها همه را احاطه کرده، به این مسئولیت عمل می‌کنیم؟ چقدر برای ما اهمیت دارد و چقدر خودمان را آماده کردیم برای این مرزبانی؟ بالاخره ما مسیر مرزبانی را انتخاب کردیم؛ وقتی وارد این مسیر شدیم، یعنی پذیرفتیم مرزبان باشیم، به لوازم این مسئولیت هم باید ملتزم باشیم؛ هوشیاری و مراقبت دائمی باید داشته باشیم. نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم، نمی‌توانیم نسبت به آنچه که در مرزهای این محدوده اعتقادی و اخلاقی پیش می‌آید بی‌تفاوت باشیم.

### **مرزبانی چند وجهی**

این را هم عرض کنم که مرزبانی از اعتقادات و اخلاقیات و باورهای پیروان اهل بیت(ع)، فقط در برابر آنان که به صورت عریان شبهه می‌کنند و انکار می‌کنند نیست؛ این مرزبانی، چند وجهی است؛ یعنی کآن در برج‌های دیده‌بانی که برای مرزبانان قرار داده شده، این برج‌های دیده‌بانی باید همه جوانب و اطراف را مراقبت کنند؛ چون فقط از یک سو هجمه نمی‌شود، انکار مبدأ و معاد یا انکار امامت، تنها پیکان‌ها و تیرهایی که به سمت مکتب می‌آید، نیست؛ بلکه بخشی از تیرها و پیکان‌هایی که به سوی مکتب نشانه می‌رود و پرتاب می‌شود، ناشی از بدفهمی‌ها و کج‌فهمی‌ها و سوء برداشت‌هاست؛ آنها که غلو می‌کنند، آنها که گاهی مطالبی می‌گویند که به صورت ظاهر دفاع است ولی در واقع حمله است، اینها هم مراقبت می‌خواهد. یعنی ما باید دائماً مواظب باشیم از چند جهت این تیرها به سمت مکتب نشانه نرود؛ هم از ناحیه منکران و معاندان و هم از ناحیه محبان نادان؛ این کار کمی نیست، چه بسا دومی بسیار سخت‌تر از اولی باشد.

### **لزوم آمادگی برای مرزبانی فکری و اخلاقی**

مرزبانی نیازمند تجهیز است؛ تا خودمان مجهز نشویم، نمی‌توانیم دیده‌بانی کنیم. با کسالت و تنبلی نمی‌شود دیده‌بان شد؛ با بی‌حالی نمی‌شود مرزبان بود؛ تلاش و کوشش می‌خواهد، آمادگی می‌خواهد، شب بیداری و روز بیداری می‌خواهد برای مقابله با این هجمه‌ها. مواظب باشیم یک وقت آنقدر در زندگی‌های خودمان غرق نشویم که این مسئولیت را فراموش کنیم؛ مراقب باشیم فقط دنبال این نباشیم که امور شخصی خودمان را بگذرانیم و اندکی هم صرف این مسئولیت نکنیم. اگر می‌خواهیم یک مرزبان خوبی باشیم، اگر می‌خواهیم یک مرابط مورد تأیید اهل بیت(ع) باشیم، باید توانمندی‌های خودمان را بیشتر کنیم، باید مجهز شویم؛ باید تلاش کنیم علم ما و دانش ما ارتقا پیدا کند؛ از نظر عمل و اخلاق باید کوشش کنیم انسان‌های مهدبی باشیم. هر چه علم ما بیشتر، هر چه تهذیب نفس در ما افزون‌تر باشد، بصیرت ما برای مقابله با ابلیس و اذتاب ابلیس بیشتر می‌شود و

ما قدرت رویارویی پیدا می‌کنیم و اینکه باید مانع شویم از حمله ابلیس و سربازانش از تسلط ابلیس و شیعیانش بر ضعیفان شیعه، این تنها در گرو قدرت و قوت علمی و عملی ماست.

ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی این توان و آمادگی را به ما بدهد که این فرمایش نورانی امام صادق(ع) را ولو در حد ناچیز، بتوانیم عمل کنیم؛ که اگر فردا از ما سؤال کردند که شما این همه سال به عنوان عالم دینی، به عنوان روحانی زندگی کردید چقدر به این مسئولیت عمل کردید؟ «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتَهُ»، حداقل بتوانیم یک پاسخ قابل قبول و فی الجمله در محضر خداوند تبارک و تعالی و نبی مکرم اسلام(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) داشته باشیم. ان شاء الله خداوند به ما این توفیق را بدهد؛ تلاش کنیم، خداوند هم از آن طرف توفیقاتش را بیشتر می‌کند؛ از خود ائمه(ع) باید استمداد بجوییم برای اینکه ما را به این مسئولیت آشناتر کند و آمادگی ما را بیشتر کند.

### مسأله ۱۳

بحث ما رسید به مسأله سیزدهم از احکام العقد از کتاب تحریر الوسيلة.

مسأله ۱۳: «لو اختلف الاسم مع الوصف أو اختلفا أو أحدهما مع الإشارة يتبع العقد لما هو المقصود و يلغى ما وقع غلطا و خطأ». می‌فرماید: اگر اسم با وصف اختلاف داشته باشد یا اسم و وصف با اشاره اختلاف داشته باشند، در این مواقع ملاک و معیار، قصد است و عقد تابع مقصود است؛ و آنچه که اشتباهاً و غلطاً واقع شده، ملغی است.

این به دنبال مسأله دوازدهم است؛ البته در ادامه مسأله ۱۳ امام(ره) چهار فرع را ذکر کرده‌اند که بعداً متعرض خواهیم شد. در مسأله ۱۲ شرط صحت عقد این دانسته شد که زوجین باید معین باشند؛ یکی از شرایط صحت عقد این است که زوج و زوجه تعیین شوند، به گونه‌ای که از غیرشان ممتاز باشند؛ صدر مسأله ۱۲ این بود: «يشترط في صحة العقد تعيين الزوجين على وجه يمتازان عن غيرهما»، شرط صحت عقد این است که هم زوجه معین شود و هم زوج؛ آن هم به گونه‌ای که از غیرشان تمیز داده شوند. حالا چگونه این تمایز حاصل می‌شود؟ فرمودند: «بالاسم أو الإشارة أو الوصف لذلك»، این امتیاز و این معلوم شدن و معین شدن، یا به اسم است (نام اینها را ببرد) یا به اشاره است (می‌گوید زوجتک هذه) یا به وصف است (مثلاً زوجتک بنتی الکبری یا بنتی الصغری). پس یا اسم یا وصف یا اشاره، می‌تواند تعیین کند زوج و زوجه را که به سبب آن عقد صحیح باشد. این را مفصل در سال گذشته بحث کردیم.

مسأله سیزدهم که در این جلسه شروع می‌کنیم، این است که اگر بین اسم، وصف و اشاره اختلاف باشد، مثلاً می‌گوید «زوجتک الکبری من بناتی فاطمة»؛ الان دارد صیغه نکاح را می‌خواند برای یک دختری، حالا اصلاً اشاره هم نیست، فقط اسم و وصف است؛ اما اینها با هم اختلاف دارد؛ یعنی او که اسمش فاطمه است، بنت کبری و دختر بزرگ نیست؛ مثلاً اسم دختر بزرگ، خدیجه است. اگر چنین اختلافی پیش آمد باید چه کنیم؟ یا اینکه اسم و وصف با هم سازگار هستند اما اشاره متفاوت است؛ می‌گوید زوجتک الکبری من بناتی فاطمة هذه؛ اصلاً این شخصی که مورد اشاره قرار گرفته، نه دختر بزرگ اوست و نه اسمش فاطمه است؛ اینجا چه باید کرد؟ این یک موضوعی است که محل بحث واقع شده است؛ اگر چنین اختلافی پیش آمد بین اسم یا وصف یا اشاره، که اینها در حقیقت در مقام تعیین زوج و زوجه هستند، ما چه باید بکنیم؟ امام(ره) یک ملاکی را تبعاً لبعض الاصحاب از جمله مرحوم سید در عروه ذکر کرده‌اند؛ می‌گویند در این مواقع ملاک قصد است، العقود تابعة

للقصود؛ آنچه که قصد به آن تعلق گرفته، ملاک قرار می‌گیرد و عقد صحیح است، «و یلغی ما وقع غلطاً و خطأ»، آنچه که به عنوان غلط و خطا ذکر شده است، ملغی می‌شود.

### کلام سید

این مسأله چهار فرع دارد که حالا ان شاء الله متعرض این فروع خواهیم شد. امام اینجا چهار فرع ذکر کرده‌اند؛ مرحوم سید در عروه سه فرع بیشتر ذکر نکرده است. سید در مسأله ۱۸ عروه متعرض این مسأله شده است: «لو اختلف الاسم و الوصف أو أحدهما مع الإشارة أخذ بما هو المقصود و ألغی ما وقع غلطاً»، می‌فرماید اگر چنین اختلافی پیش آمد، آنچه که مقصود است به آن اخذ می‌شود و آنچه که غلط است، ملغی می‌شود. آن وقت سه فرع را ذکر کرده است.

### تفاوت کلام امام و سید

امام(ره) ذیل این عبارت مرحوم سید، یک تعلیقه‌ای دارند که این تعلیقه در واقع همان فرع چهارمی است که سید نگفته و امام در اینجا به آن اشاره کرده است. تعلیقه امام این است: «لکن إذا كان المقصود العقد على الكبرى فتخیل أن المرأة الحاضرة هي الكبرى»، اگر مقصود عقد بر دختر بزرگتر باشد و بعد گمان کند این خانمی که اینجا حاضر است، این همان دختر بزرگتر است، «فقال زوجته هذه و هي الكبرى» می‌گوید این دخترم را که دختر بزرگ است، «فالصحة بالنسبة إلى الحاضرة لا تخلوا من وجه» صحت نسبت به این دختری که حاضر است، خالی از وجه نیست؛ می‌توانیم بگوییم این هم صحیح است، «لکن لا یترک الاحتیاط بتجدید العقد أو الطلاق» اما احتیاط این است که اینجا عقد تجدید شود یا طلاق داده شوند و دوباره این کار صورت بگیرد.

مرحوم سید متعرض این صورت نشده است؛ لذا امام در تعلیقه‌ای که دارند، این صورت را اضافه کرده‌اند. آن سه صورت دیگر را خیلی روشن هم امام و هم مرحوم سید فتوا داده‌اند به اینکه ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم آنچه که قصد به آن تعلق گرفته، کدام است؛ آن صحیح است و واقع می‌شود؛ اما آنچه که غلطاً و خطأً گفته شده است، ملغی می‌شود.

این یک بیان کلی بود از آنچه که در تحریر و عروه مطرح شده، ضمن اینکه ملاک و معیار از نظر امام(ره) و مرحوم سید یک چیز است، که عقد تابع قصد است. اما در عین حال از نظر فروعی که در تحریر و عروه آمده، این تفاوت هم وجود دارد. اصلاً خود این دلیل که العقد تابع للقصد، یعنی چه؟ آیا دلیل دیگری هم اینجا وجود دارد و ذکر کرده‌اند یا نه؟ مرحوم علامه یک عبارتی دارد که حاکی از این است که اصلاً ملاک، چیز دیگری است؛ مسأله از مسائلی است که در بین متقدمین هم مطرح بوده و این مسأله جدیدی نیست. حالا اگر فرصت شد من عبارات بعضی از بزرگان مثل شیخ طوسی را خواهم خواند. شیخ طوسی در مبسوط این را فرموده و چندتا فرع را اینجا ذکر کرده است؛ اما حالا دلیل آنها چه بوده است. ان شاء الله ما این دو تا دلیل را که یکی در کلمات امام در تحریر آمده و یکی در کلمات دیگران مثل مرحوم علامه و اینها آمده، این دو را باید ذکر کنیم و ارزیابی کنیم که کدام یک از این دو دلیل در اینجا صحیح است و ملاک و معیار چیست.

«والحمد لله رب العالمین»